

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جلسه ی ، دوشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۴ - ۲۶ ربیع الثانی ۱۴۳۷

ادامه بررسی روایات تقیه و بررسی دلالت آن بر منع از خروج:

دسته ی چهارم از روایات، روایاتی بودند که دال بر وجوب تقیه بودند و بر حسب دلالت این روایات برخی گفته اند که دال بر منع از قیام هستند.

گفته شد که این روایات دو دسته هستند؛ دسته ای که به طور مطلق دلالت بر وجوب تقیه می کردند و دسته ی دوم بر وجوب تقیه تا ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت می کنند.

استدلالی که برای عدم جواز قیام گفته اند این بود که این روایات دال بر منع قیام و خروج تا قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

روایت اول (از دسته ی دوم) روایت محمد بن مسلم است از امام صادق علیه السلام که نقل می کند.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَلَّمَا تَقَارَبَ هَذَا الْأَمْرُ كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيَّةِ^۱.

روایت از نظر سندی اشکالی ندارد، زیرا هم ابن بکیر موثق است و هم ابن فضال به عنوان شخصی ثقة (حداقل از نظر روایت) دانسته شده است.

۱. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۲، ص: ۲۲۰؛ باب التقية؛ ج ۲، ص: ۲۱۷ و وسائل الشيعية؛ ج ۱۶؛ ۲۰۷؛ ۲۴ باب وجوب التقية مع

الخوف إلى خروج صاحب الزمان ع؛ ج ۱۶، ص: ۲۰۳ و المحاسن (للبرقي)؛ ج ۱؛ ۲۵۹؛ ۳۱ باب التقية؛ ج ۱، ص: ۲۵۵

دلالت روایت:

امام می فرمایند که هرچه زمان به ظهور نزدیک می شود، تقیّه شدیدتر می شود.

اگر تقیه را به معنای منع از قیام بدانیم، معنا برعکس می شود، زیرا هرچقدر به ظهور نزدیک می شویم زمینهی قیام نزدیک تر می شود.

(در تحلیل ملئ ظلم و جور (در روایت مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) خواهیم گفت که چه بگوییم «کما ملئت...» و چه بگوییم «بعد ما ملئت...» این روایت ۳۰۰ سند از شیعه دارد و ۱۵۰ سند از اهل سنت (آیه الله صافی در منتخب الأثر).)

ظهور این روایت این است که دو اتفاق پر شدن از عدل و داد و پر شدن از ظلم و جور مقارن هم اتفاق می افتند. اگر این معنا را بپذیریم، باید برای تحقق آن بپذیریم که قیام های متعددی انجام می شود که سرکوب این قیام ها منجر به پر شدن دنیا از ظلم و جور می شود. این قیام ها هم در نتیجهی این اتفاق می افتد که مردم نظام ظالم حاکم را قبول نداشته و قیام نموده باشند.

جهت دیگر هم این است که حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمانی ظهور می کنند که در میان مردم زمینهی ظهور و اصلاح فراهم شده باشد.

قرار نیست امام عجل الله تعالی فرجه الشریف با معجزه اقدامی کنند، زیرا اگر چنین بنایی بود همان اول قیام می نمود و با معجزه دشمنان را نابود کرده و پیروز می شدند.

پس اگر تقیه را به معنای سکون و سکوت بگیریم، با شرایط نزدیک به ظهور سازگار نیست.

روایت دوم (از دسته ی دوم)

حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام نقل نموده است.

روایت از نظر سند مضطرب است، ولی ما به این خاطر ردش نمی‌کنیم.

دلیل اضطرابش هم این است که ابن معبد (که در هر دو سلسله سند روایت هست) آدم موثقی نیست. دو جور نقل می‌کند (از علی بن خالد و از حسین بن علی بن خالد) لذا احتمال دارد که این سند سقط داشته باشد (یک نفر از راویان جا افتاده باشد) روایاتی که در آن احتمال سقط باشد، ضعیف است، اما وجود علی بن ابراهیم در سلسله سند، موجب قوت قلب و اعتماد و اطمینان می‌شود.

لذا سند این روایت را نمی‌توانیم رد کنیم (به دلیل وجود علی بن ابراهیم) و از طرفی هم نمی‌توان آن را کاملاً تأیید کرد، به خاطر وجود ابن معبد...

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْخَزَّازُ فِي كِتَابِ الْكِفَايَةِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ (عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ) «۳» عَنِ الرُّضَاعِ قَالَ: لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ- وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ- وَ إِنَّا أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ أَعْمَلَكُمُ بِالتَّقِيَّةِ- قِيلَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِيَّيْ مَتَى قَالَ إِيَّيْ قِيَامِ الْقَائِمِ- فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا الْحَدِيثَ^۱.

اشکالی که در دلالت این روایت است این است که آیا واقعاً هر کسی که در زمان غیبت قیام نموده از اهل بیت و پیروان ایشان محسوب نمی‌شود؟!

ایراد بزرگ به همگی این روایات این است که اگر روایات دسته‌ی چهارم را حمل بر دسته‌ی سوم نمودیم و تقیه را به معنای سکوت و آن را الزامی برای عرصه‌ی زمانی ۱۳۰۰ سال (تاکنون) نماییم، شرایط و اقتضائات زمان در طی این زمان طولانی همیشه یکسان نیست.

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۱۶؛ ۲۱۱؛ ۲۴ باب وجوب التقیة مع الخوف إلى خروج صاحب الزمان ع؛ ج ۱۶، ص: ۲۰۳

در متن روایت از امام رضا علیه السلام پرسیده‌اند تقیه تا کی؟ بعد ایشان که هم پدرشان قیام فرمودند و هم خودشان طوری فعالیت نمودند که حتی سربازان لشکر مأمون هم شیعه شده بودند، بفرمایند که تا زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سکوت کنند. این با عقل سازگار نیست که در تمام شرایط و ظروف و اقتضائات مختلف یک حکم کلی صادر شده باشد.

اگر قیام و نهضت امام خمینی رحمه الله در ایران اتفاق نمی‌افتاد، مطمئناً اصل اسلام ریشه‌کن می‌شد؛ زیرا تمام دنیا در تقابل با دین بودند، چه کمونیست‌ها (دین افیون ملت‌هاست) و چه لیبرال‌ها (دین سنگلاخی در مسیر توسعه‌ی انسان‌ها است) در چنین شرایطی که همه‌ی قدرت‌های دنیا متفقند که دین را براندازی نمایند، نمی‌شود حکم عامی صادر کرد که همه سکوت کنند.

همه‌ی اینها دلیل است که تقیه به معنای منع خروج و قیام نیست.